



مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (سوره حدید آیه 11)
کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند)
تا خداوند آنرا برای او چندین برابر کند،
و برای او اجر فراوان پرارزشی است.

علم اقتصاد عبارت است از دانشی که به تخصیص بهینه کالاها و فراورده‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، علمی است که به تفسیر حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلّی آنها اهتمام می‌ورزد. نظام اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلّی ارائه شده در **اسلام** در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حلّ مشکلات اقتصادی، در راستای تأمین عدالت اجتماعی. **مسأله اقتصاد**، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشری، مطرح است، و اسلام نیز نگرش خاصی به آن دارد.

اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از **مصرف‌گرایی** تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می‌داند؛ در حالی که در اسلام منابع و امکانات نامحدود معرفی شده‌اند.

إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا (قرآن، سوره ابراهیم، آیه 34)

و اگر بخواهید نعمت‌های خداوند را در شمار بیاورید نمی‌توانید نعمت‌های خداوند را به حد و حصری محدود کنید

اسلام **مسأله اقتصاد** را (بر اساس اصالت انسان) به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می‌تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می‌داند. (اقتصاد در مکتب اسلام)

اصول روش اسلام در توزیع ثروت

اصول روش **اسلام** در توزیع ثروت، در درجه اول، صیانت از عدالت اجتماعی، حفظ حقوق مردم، تقسیم مالکیت به سه بخش (ملی، خصوصی و دولتی) است. در این راستا، به تحریم راه‌های نامشروع مانند **ربا** می‌پردازد و حل مشکلات اقتصادی را در چهارچوب قوانینی مانند استفاده از **عقود اسلامی** می‌داند. برخی از این قوانین در ابواب **مضاربه**، **مزارعه**، **مساقات**، **بیع**، **اجاره**، **جعاله** و امثال آن بیان گردیده است.



قرض الحسنه عبارتی است که در قرآن به معنی قرض دادن به خداوند است و آن را امری مقدس، ارزشمند و پسندیده می‌داند که باعث کمک به نیازمندان و رفع معضلات اجتماعی می‌شود. منظور از قرض الحسنه قرضی است که چند برابر آن نزد خدا ثواب دارد. در تعاریف مختلف، قرض الحسنه نوعی قرض است که در آن بهره‌ای در کار نباشد و در واقع عقدی است که به موجب آن بانک‌ها به‌عنوان قرض‌دهنده مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر در دستورالعمل خاص به اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی (به‌عنوان قرض‌گیرنده) به‌صورت قرض واگذار می‌نمایند. در واقع از آن جهت قرض الحسنه در دین مبین اسلام سفارش شده و حتی بسیار بیشتر از بخشش مورد تأکید قرار گرفته است.

جایگاه اعتبارات خرد در جوامع

موضوع اعتبارات خرد نظام بانکی در تمام کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که سازمان ملل در سال 2005 میلادی آن را سال اعتبارات خرد نامید و اعلام کرد بسیاری از مشکلات اجتماعی کشورها از جمله آموزش، تأمین اشتغال کوچک، ازدواج جوانان، توسعه روستاها، توسعه بهداشت و توسعه گردشگری از طریق اعتبارات خرد قابل رفع است. چه بسیار کسانی که با همه قابلیت‌ها و توان خود به‌دلیل نداشتن چند میلیون تومان نمی‌توانند شغل کوچکی برای خود دست‌وپا کنند یا برای معالجه عزیزانشان درمانده شده و توانایی فراهم کردن این مبالغ را ندارند. در کشور ما اعتبارات خرد در قالب قرض الحسنه تبلور یافته است که خوشبختانه به جز مزد کار هیچگونه وجهی به‌عنوان سود به این اعتبارات تعلق نمی‌گیرد. قرض دادن در دین اسلام بسیار سفارش و تأکید شده است، این نوع قرض به معنای قرض به خدا تلقی شده است. در احادیث دینی ما آمده هر کس به خدا قرض دهد خداوند 18 برابر آن را در روز آخرت به او پاداش می‌دهد.

جایگاه نهادهای قرض الحسنه در

ایران

اساس تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه به بعد از سال 1300 شمسی برمی‌گردد. مقابله مردم با بانک‌های خارجی در زمان مشروطیت، مجلس را در سال 1285 ناگزیر کرد در زمانی که دولت قصد استقراض از خارج را داشت، طرح ایجاد بانک را ارائه و در سطح کلان بانک ملی ایران و در سطح خرد، ابتکارهای افراد و بخش خصوصی در تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری و قرض به‌عنوان نمونه‌ای از نشاط ملی و مذهبی در جامعه ایرانی بعد از سال‌های 1300 هجری شمسی ایجاد شد. نمی‌توان تاریخ مشخصی برای آغاز سنت حسنه قرض بدون بهره، در ایران تعیین کرد، اما به نظر می‌رسد تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری «اثنی عشر» در سال 1317 هجری شمسی، اولین حرکت در این زمینه باشد.

فعالیت اصلی صندوق‌های

قرض الحسنه چیست؟

صندوق‌های قرض‌الحسنه اصولاً به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه مشهور هستند. این صندوق‌ها با اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه که فاقد سود بوده (و فقط کارمزد به اصل تسهیلات اضافه شده) تلاش می‌کنند تا به رفع نیازمندی‌های اقشار محروم جامعه بپردازند. تسهیلات قرض‌الحسنه عمدتاً جهت رفع احتیاجات ضروری اشخاص حقیقی مشتمل بر هزینه ازدواج، بیماری، تهیه جهیزیه و... اعطا می‌شود.

سیستم بانکی ناتوان

از آنجا که سیستم بانکی در شرایط حاضر توانایی حل سریع و آسان و بدون دریافت هزینه را ندارد، چنانچه این قبیل موسسات، صندوق‌ها و حوزه‌ها نباشند، مشکلات فردی، جزئی و اقتصادی اقشار نیازمند جامعه همچنان پابرجا خواهد ماند. از این رو وجود صندوق‌های قرض‌الحسنه کمک بسیار موثری برای رفع نیازها و پاسخگویی به مشکلات اقتصادی این قبیل اقشار محروم و کم‌درآمد جامعه است. اما منظور از صندوق قرض‌الحسنه همان صندوق‌های قرض‌الحسنه واقعی است که هدف آنها سودجویی نیست.

بررسی تاثیر قرض الحسنه بر توزیع در آمد

مقدمه

تحریم شدید ربا در قرآن و احادیث، گویای آن است که ربا با روح عادلانه و حیات اجتماعی و اقتصادی اسلام در تعارض است. مکتب اقتصادی اسلام برای جلوگیری از شیوع این عمل ناپسند و ظالمانه، قرض الحسنه را به عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است که ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام می‌نمایند. اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند و اساس فرهنگ اسلامی به گونه‌ای است که با رواج آن و گسترش اجزاء آن، عملاً نابرابری‌های زیاد در آمدی از بین می‌رود. نظام اقتصادی اسلام، قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع در آمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم در آمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور، می‌تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت، نقش فعالی داشته باشد. آنچه در این نوشتار در صدد انجام آن هستیم تبیین این موضوع می‌باشد.

مفهوم قرض

قرض به عنوان یکی از عقود معاملاتی مطرح است و دارای احکام مخصوص به خود می‌باشد. متون دینی با امضای این قرارداد عقلایی برای صحت آن شرایطی را هم‌چون بدون ربا بودن ذکر کرده‌اند. اما آنچه در این جا به عنوان یک رفتار مورد بررسی قرار گرفته است «قرض الحسنه» می‌باشد، که نوع خاصی از قرض است.

تحقق قرض الحسنه شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌سازد. «تأکید روایات بر توجه داشتن قرض دهنده به ثواب اخروی و نیت خدایی داشتن» هم‌چنین «ناپسند بودن قرض گرفتن در نیازهای غیر ضروری» از جمله این شرایط است. [1] بنابراین اگر چه «قرض الحسنه» دارای ارکان «قرض» است، اما از جهت شرایط تحقق، لازم است جایگاه آن در بین دیگر رفتارهایی که متون اسلامی برای یک مسلمان ترسیم نموده است، معین شود. توجه به تفاوت قرض و قرض الحسنه ما را در تحلیل آثار این رفتار کمک می‌کند.



عناصر ماهیت قرض الحسنه

از آن جا که قرض دهنده برای مدتی از تصرف مال خود چشم پوشی می‌کند و در مقابل هم توقع دریافت هیچ‌گونه سودی ندارد، بنابراین اولین سؤالی که در ذهن پدید می‌آید این است که انگیزه این رفتار اقتصادی چیست؟

انگیزه‌های احتمالی قرض دهنده عبارتند از:
1. پاداش اخروی 2. کسب اخلاق پسندیده (دوری از بخل) 3. تعاون و هم‌یاری 4. پس انداز 5. کسب جایزه [2]

انگیزه اول صرفاً اخروی و انگیزه دوم و سوم معنوی و انگیزه چهارم و پنجم صرفاً مادی است، اما در مورد قرض‌گیرنده هم‌چنان که گفته شد، قرض گرفتن یک امر ناپسند است؛ مگر آن که در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری از آن استفاده شود. با توجه به مطالب فوق، دو مشخصه مهم قرض‌الحسنه؛ یعنی «داشتن انگیزه معنوی یا اخروی برای قرض‌دهنده» و نیز «صرف آن در جهت رفع نیازهای ضروری قرض‌گیرنده» نمایان می‌شود. مسئله دیگری که قرض را از قرض‌الحسنه متمایز می‌سازد، نهی اخذ هرگونه مبلغی فراتر از اصل مال در قرض‌الحسنه می‌باشد.



آداب قرض الحسنه

در هنگام انعقاد قرارداد، قرض‌گیرنده نباید نیت عدم بازپرداخت را داشته باشد و برای جلوگیری از هرگونه اختلاف احتمالی، هنگام انعقاد قرارداد سندی نوشته شود تا در صورت نزاع، ملاک قضاوت قرار گیرد.

اسلام بر بازپرداخت بدهی نیز تأکید بسیار داشته و نسبت به ادای فوری دین، توجه ویژه‌ای شده است. در مطالبه دین، وام‌دهنده باید شأن و شخصیت قرض‌گیرنده را محترم شمارد و از سخت‌گیری پرهیزد. در صورت عدم توانایی شخص وام‌گیرنده جهت پرداخت، قرض تمدید گردد و یا برای ادای قرض به دولت اسلامی رجوع گردد و در نهایت قرض‌گیرنده در صورت توانایی و تمایل وام‌دهنده، بازپرداخت را به صورت نیکوتری انجام دهد.

با وجود چنین آدابی یکی از اصلی‌ترین مشکلات قرض، یعنی عدم اطمینان وام‌دهندگان در مورد بازپرداخت دیون خود، از بین می‌رود.

تئوری‌های توزیع درآمد

هنگامی که در اقتصاد بحث توزیع و نظریات مرتبط با آن مطرح می‌شود، باید بین دو دسته نظریات مربوط به توزیع درآمد تفاوت قائل شویم؛ توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و توزیع درآمد شخصی. در این بخش به توضیح این دو دسته از نظریات توزیع خواهیم پرداخت.

توزیع شخصی یا مقداری درآمد [9]

در توزیع شخصی یا مقداری درآمد، تنها با اشخاص و یا خانوارها و کل درآمدی که آن‌ها دریافت می‌کنند سر و کار داریم و طریقه کسب درآمد اهمیتی ندارد. آن چه اهمیت دارد آن است که هر واحد چه مقدار درآمد کسب نموده، بدون توجه به این که این درآمد از چه طریقی کسب شده باشد. مسئله توزیع درآمد شخصی با نابرابری‌های درآمد و فقر، رابطه تنگاتنگ داشته و در مباحث توزیع درآمد و فقر عموماً از این مقوله استفاده شده است. [10]

با توجه به هدف مورد نظر در بررسی توزیع درآمد، نمی‌توان از هر مفهوم درآمدی استفاده نمود و به ارتباط منطقی بین هدف و مفهوم درآمد باید کاملاً توجه شود. بنابراین بهتر است برای بررسی الگوی توزیع درآمد بر نحوه مصرف کالاها و خدمات از درآمد قابل تصرف (درآمد شخصی) استفاده گردد. [11]



توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (توزیع تابعی درآمد) [5]

در توزیع تابعی درآمد سعی بر این است تا سهم عوامل تولید یا سهم کل درآمد ملی که به وسیله هر یک از عوامل تولید دریافت می‌شود، توضیح داده شود و قسمت قابل ملاحظه مباحث توزیع مانند بازار کار، بازار سرمایه و منحنی‌های عرضه و تقاضا از این مقوله است. [6] براساس نظریه‌های اقتصاد خرد، ساخت بازار تأثیر قابل توجهی در این توزیع دارد و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده توزیع در نظام بازاری، ارزش تولید نهایی عوامل تولید است. ساخت بازار با توجه به قوانین مختلف حاکم بر آن به همراه درآمد و سود انحصاری در این نظام، عامل مؤثری در ایجاد نابرابری درآمد افراد در کشورهای مختلف بوده است. [7]

توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی



اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌داند. بدین سبب برای از میان بردن مشکل اول، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می‌ورزد و برای رفع مشکل دوم، در جهت ایجاد انگیزه‌های کار و تلاش گام برمی‌دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است. [12]

روش اسلام در توزیع درآمد بر اصولی مبتنی است که بخشی از آن چنین است: 1. احترام به حق مالکیت خصوصی با آزادی اقتصادی در کادر محدود 2. حق عموم مردم در منابع طبیعی پیش از تولید 3. حق تهی‌دستان در اموال ثروتمندان. [13]

توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام از طریق معیارهای متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی و برخی اختیاری است. معیارهای الزامی عبارتند از زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارتند از کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان بر حسب وظیفه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می‌کنند. از آن جمله می‌توان به صدقات و قرض‌الحسنه اشاره کرد. آنان وظیفه دارند ثروت خویش را در راه رفاه عام جامعه صرف کنند. [14]

افراد جامعه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستند که دارای قدرت فکری و جسمی مناسبی هستند و می‌توانند زندگی بهتری نسبت به دیگران داشته باشند و از رفاه بیشتری بهره‌مند گردند. تا هنگامی که این افراد به قوانین و مقررات پایبندند و از محدوده دین فراتر نرفته‌اند می‌توانند بیش از احتیاجات خویش داشته باشند. بنابراین نیاز نمی‌تواند برای این دسته از مردم نقش مهمی داشته باشد. در این دسته از مردم کار عامل تعیین‌کننده سهم آنان از توزیع درآمد است. گروه دوم کسانی هستند که کار می‌کنند و محصول کارشان به سختی کفاف یک زندگی عادی و معمولی را می‌دهد. توزیع درآمد در این گروه به هر دو عامل کار و نیاز بستگی دارد. یعنی آن‌ها فقط با کار کردن می‌توانند ضروریات اولیه زندگی را تهیه کنند و نیاز موجب می‌شود سهم بیشتری از درآمد به آن‌ها عطا گردد. به گونه‌ای که بتوانند زندگی آسوده و راحتی داشته باشند. گروه سوم؛ ضعیف، معلولین، ناقص‌العضوها و کسانی هستند که توانایی کار ندارد. توزیع درآمد در این گروه صرفاً براساس نیاز است؛ زیرا این گروه قادر به کار نیستند و حق دارند تا حدی که حیات و زندگی آن‌ها تأمین شود از درآمد استفاده کنند. باید توجه داشت که برای این دو گروه اخیر، درآمد باید از طریق تعاون اجتماعی و دولت اسلامی تأمین گردد. [17]

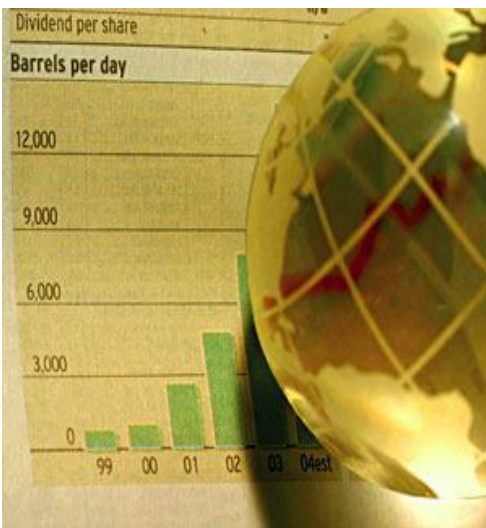
همان‌طور که گفته شد در اسلام درآمد هر فرد بستگی به مقدار کاری دارد که به جامعه عرضه می‌کند. همه انسان‌ها در بهره‌مندی از نیروهای فکری و بدنی مساوی نیستند و سهم آن‌ها در تولید نیز متفاوت است. براساس این معیار توزیعی، درآمدهای حاصله یکنواخت نخواهد بود. فرهنگ اسلام به گونه‌ای است که با رواج آن عملاً نابرابری‌های زیاد درآمدهای از بین می‌رود. عمر چپرا معتقد است؛ عدالت توزیعی اسلام براساس برنامه‌ای می‌باشد که پنج عنصر اساسی زیر را در بردارد؛ نخست انجام اقداماتی برای آموزش و سپس کمک به بیکارانی که در پی یافتن کار متناسب با توان خود (شغلی مفید) هستند، دوم ایجاد سیستم «پاداش دهی عادلانه به افراد شاغل»، سوم انجام اقدامات اجباری در جهت بیمه علیه بیکاری و خطرات شغلی، پرداخت مستمری و سهولت و اعانه به بازماندگان توسط کسانی که استطاعت دارند، چهارم کمک به کسانی که به علت ناتوانی، معلولیت ذهنی یا جسمی، یا کهولت نمی‌توانند معاش خود را تأمین کنند و یا با تلاش خود سطح زندگی آبرومندانه‌ای به دست آورند و پنجم جمع‌آوری و توزیع زکات و اجرای دستورات اسلامی در زمینه تقسیم دارایی افراد متوفی به منظور سرعت بخشیدن به توزیع درآمد و زکات در جامعه اسلامی به گونه‌ای که به بیان قرآن «میان توان‌گران شما دست به دست نگردهد».[20]

بنابراین ملاحظه می‌شود که عدالت اجتماعی مورد نظر با فقر ارتباطی معکوس دارد و در صورت تحقق عدالت، فقر از میان خواهد رفت.



اثر قرض بر توزیع در آمد

توزیع مناسب در آمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه در آمدها می‌داند؛ از این رو در این مکتب عنایت ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی - اقتصادی شده است. قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته و مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی، اقدام به انجام آن می‌کنند و می‌تواند نقش مؤثری در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد. در اسلام، مردم به دادن قرض‌الحسنه تشویق شده‌اند و بدین وسیله بین دنیا و آخرت آن‌ها پیوند ایجاد شده است. اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. قرض‌الحسنه به عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنانچه بیشتر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک‌تر می‌شویم.



در قرض‌الحسنه، ثروتمندان بخشی از در آمد قابل تصرف خود را جدا می‌کنند و در یک دوره زمانی معین به فقیران اختصاص می‌دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد می‌توان جریان مداوم ثروت از توان‌گران به نیازمندان را پیش‌بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی، بخشی از در آمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می‌توان گفت: در قرض‌الحسنه، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم در آمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. آنچه در قرض‌الحسنه اهمیت پیدا می‌کند، نقش بیش‌تر بخش خصوصی و اتکای کم‌تر به دولت در تأمین نیازمندان و ایجاد توازن اقتصادی است. [23] در واقع نهاد قرض‌الحسنه را می‌توان جزء نهادهای خصوصی مشارکت مردم در تأمین اهداف اقتصادی دانست. [24] در این نهاد، قرض‌گیرندگان کسانی هستند که اولاً: به پول یا سرمایه غیر نقدی یا کالا، نیازمندند و ثانیاً: قدرت بازپرداخت قرض خود را در آینده، دارند. بر خلاف صدقه‌گیرندگان که قدرت بازپرداخت را به هیچ وجه ندارند. قرض‌دهندگان نیز کسانی هستند که با مازاد در آمد روبرو بوده و مایلند بدون انگیزه سود، منافع این مازاد را ایثار کنند. [25] قرض‌دهندگان هم‌چنین می‌توانند شامل کسانی باشند که از توان مالی لازم برای قرض دادن برخوردار نیستند و با ایجاد صندوق‌های تعاون قرض و هم‌یاری، امکان قرض دادن را فراهم می‌آورند. بر این اساس این نهاد برای تحقق دو هدف اعتلای معنوی و عدالت اقتصادی، وضع شده است.

تحریم ربا، جایگاه قرض الحسنه و توزیع در آمد

در نظام اقتصاد اسلامی، تحصیل در آمد از طریق ربای قرضی و معاملی وجود ندارد. در سیستم بانکداری اسلامی، بخشی از سپرده‌های پس‌انداز را تحت عنوان سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه در نظر گرفته‌اند. این سپرده‌ها شامل مبالغی هستند که پس‌اندازکنندگان به بانک می‌پردازند و در واقع برای خود حساب باز می‌کنند و حق دارند در هر زمان، میزان معینی از حساب خویش برداشت کنند. در سیستم بانکداری، قسمتی از این سپرده‌ها را به صورت اندوخته نگهداری می‌کنند و از وجوه باقیمانده استفاده مالی می‌نمایند. علت انجام این عمل آن است که تمام صاحبان حساب به طور هم‌زمان، تقاضای دریافت پول خود را نخواهند کرد. [36] همان‌طور که از نام این حساب پیداست، این حساب جنبه قرض‌الحسنه دارد و وجوه باقیمانده آن باید بدون اخذ نرخ بهره در جهت مصارف قرض‌الحسنه استفاده گردد. پس قرض‌الحسنه می‌تواند در سیستم بانکداری اسلامی نیز به صورتی کاملاً نظام‌مند دایر شده و به تأمین مالی نیازمندان کمک کند.

همان‌طور که قبلاً گفته شد استفاده از قرض‌الحسنه برای تأمین مالی، چه در سیستم بانکداری اسلامی و چه به صورت شخصی توسط خود افراد، زمانی صورت می‌گیرد که فرد وام‌گیرنده توانایی بازپرداخت سود را ندارد؛ بنابراین چنانچه قرض‌الحسنه، عوایدی را برای شخص وام‌گیرنده در بر داشته باشد به دلیل این که قرض‌گیرنده ملزم به پرداخت نرخ سود نمی‌باشد، تمام عواید حاصل از قرض برای وی باقی مانده و در کل، وضعیت درآمدی این گروه از جامعه بهبود می‌یابد. بنابراین قرض‌الحسنه به عنوان یکی از ابزارهای مناسبی که جهت تحقق روش کلی «حرمت ربا» مطرح شده است می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نابرابری‌های توزیع در آمد در نظام اقتصادی غیر ربوی داشته باشد.



قرض الحسنه و کاهش هزینه‌های تولید

کاهش هزینه تولید طبق آن چه توضیح داده شد، افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید را در بر دارد. در واقع آن دسته از گروه‌هایی که قبلاً به دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید و عدم دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان، امکان تولید و سرمایه‌گذاری را نداشتند، حال با استفاده از منابع قرض الحسنه به تولید روی می‌آورند، در نتیجه استفاده از قرض الحسنه در تأمین مالی این بنگاه‌ها به افزایش تولید می‌انجامد. اثر اقتصادی دیگر افزایش سرمایه‌گذاری که در حقیقت بر افزایش تولید پیشی دارد، افزایش اشتغال نهاده‌های تولیدی است. در حین افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، زمینه برای فعال شدن دیگر منابع تولید مثل زمین، مواد اولیه، نیروی انسانی و ... که بدون استفاده باقی مانده بودند، فراهم می‌آید.



قرض، تورم و توزیع در آمد

به قرض، تورم تعلق نمی‌گیرد و در قراردادهای مالی قرض در بانک‌داری اسلامی از هزینه‌های اداری وام و فعالیت‌های بانک چشم‌پوشی می‌کنند. [56] یعنی قرض‌گیرنده تنها موظف است، مبلغ اسمی قرض را که در ابتدای دوره دریافت کرده است، بازپرداخت نماید. شخص یا مؤسسه مالی که وجوهی را برای مدتی به کسی قرض الحسنه می‌دهند در واقع از هزینه فرصت پول خود صرف نظر می‌کنند. گیرنده قرض که در واقع فرد نیازمندی است با خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود به هنگام دریافت قرض از مابه‌التفاوت قیمت کالاها و خدمات مزبور به دلیل رشد قیمت‌ها در دوره قرض برخوردار می‌گردد؛ زیرا در صورت نبود قرض باید با پس‌انداز کردن پول خود در انتهای دوره اقدام به خرید کالای مزبور می‌کرد که به دلیل وجود پدیده رشد قیمت‌ها متضرر می‌گردید. اما اکنون به دلیل استفاده از منابع قرض الحسنه، منفعتی از محل رشد قیمت‌ها عاید وی شده است که در پایان دوره قرض، مجبور به بازپرداخت آن نمی‌باشد.

قرض، کاهش انحصارات و توزیع در آمد

طبق دستورات اسلام همه افراد، حق برابر در به دست آوردن منابع و ثروت‌های اولیه تولید نظیر معادن و امکانات اولیه تولیدی دارند و هر کس مطابق میزان توانایی و تلاش، می‌تواند از این منابع بهره ببرد. [58] اسلام با تمام مواردی که منافع امت یا بخشی از آن در معرض خطر قرار داده از جمله انحصارات، مخالفت کرده و در برخی موارد ابتکار عمل را به دست دولت سپرده است. [59] قرض‌الحسنه از جمله مواردی است که علاوه بر این که زمینه تحقق انحصار را فراهم نمی‌آورد؛ با انتقال موقت مالکیت به طبقه نیازمندان در واقع یکی از عوامل پیدایش انحصار، که مالکیت است، را خنثی می‌کند. [60]



قرض و مشخصات یک توزیع مطلوب

قرض الحسنه شاخص‌های یک توزیع مطلوب را داراست و می‌توان از آن به عنوان یک ابزار مناسب در توزیع درآمد برای جامعه اسلامی استفاده کرد؛ زیرا:

اولاً: قرض الحسنه برخلاف سیاست‌های توزیع مجدد دولتی، انگیزه‌های تلاش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی‌برد. [61] سیاست توزیع کمک هزینه‌های نقدی و کالایی در بین افراد فقیر می‌تواند در شرایطی که اشتغال کامل وجود داشته باشد، باعث افزایش افراد غیر فعال و کاهش تعداد افراد فعال گردد. [62] زیرا این گونه سیاست‌ها به افراد کمک می‌کند که دست از کار بکشند و هزینه خود را به هزینه‌های دولت تحمیل نمایند. در حالی که در قرض، فرد خود را ملزم به پرداخت آن پس از پایان دوره قرض می‌داند؛ بنابراین بر میزان فعالیت خود برای بازپرداخت قرض در پایان دوره می‌افزاید.

ثانیاً: قرض پس از اعمال ساز و کار قیمت‌ها در محدوده تولیدات مباح مطرح می‌شود و بنابراین مانع عمل کرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌گردد. [63]

ثالثاً: قرض الحسنه برخلاف مالیات‌ها، سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود و تخصیص بهینه آن در جهت عدالت اجتماعی، منوط به وجود برنامه‌های مناسب در چارچوب بودجه عمومی نیست. [64] در واقع استفاده از قرض به جای کمک‌های بلاعوض و سرمایه‌گذاری‌هایی که توسط دولت انجام می‌شود، می‌تواند بستری مناسب برای بهره‌مندی از آثار مشارکت عمومی را فراهم آورد و به کاهش بار سنگین حضور دولت کمک کند.

رابعاً: در قرض الحسنه توجه ویژه‌ای به توان اقتصادی افراد جامعه شده است و وظیفه تأمین نیازهای جمعی زندگی افراد به عهده مردم گذاشته شده است تا با استفاده از ابزار قرض به صورت تدریجی نسبت به رفع نیازهای هم و ایجاد توزیع مناسب‌تر درآمدها کمک کنند.

خامساً: از آن جایی که «نیاز» به عنوان یکی از ارکان قرض الحسنه مطرح است، بنابراین در راستای ایجاد زندگی متناسب و تأمین نیازهای اساسی آحاد جامعه مناسب می‌باشد.

در مجموع، قرض الحسنه می‌تواند به عنوان ابزار مفیدی در راستای تحقق اهداف توزیعی و فقر زدایی عمل کند و به همین دلیل می‌توان آن را سازگار با اهداف توزیعی جامعه اسلامی دانست.

- [1] . کمیجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید، 1377، ش 14، ص 235.
- [2] . همان، ص 236.
- [3] . میر معزی، سیدحسین، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن»، نامه مفید، 1377، ش 14، ص 218.
- [4] . هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، (قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، 1378، ص 60-55.
- [5] . Functional Distribution of Income.
- [6] . بختیاری، صادق، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، (تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی)، 1382، ص 29.
- [7] . جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی (1)، (تهران: سمت)، 1381، ص 138.
- [8] . منتظر ظهور، محمود، اقتصاد، (تهران: دانشگاه تهران)، 1376، ص 254.
- [9] . Personal or Size Distribution of Income.
- [10] . صادق بختیاری، پیشین، ص 52.
- [11] . ابوالفتحی قمی، ابوالفضل، درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، (تهران: مرکز آمار ایران)، 1371، ص 4-3.
- [12] . صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، محمد کاظم موسوی، (تهران: انتشارات اسلامی)، ج 1، ص 426 - 424.
- [13] . همان.
- [14] . بناء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی)، 1367، ص 195.
- [15] . صادق بختیاری، پیشین، ص 78 - 77.
- [16] . همان، ص 78.
- [17] . سید محمد باقر صدر، پیشین، ص 432-431.
- [18] . همان، ص 439.
- [19] . مهدی بناء رضوی، پیشین، ص 194.
- [20] . عمر چیرا، محمد، دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد، محمد جواد مهدوی، (مشهد: آستان قدس رضوی)، 1374، ص 214.
- [21] . هادوی نیا، علی اصغر، «ارزیابی عملکرد صندوق‌های قرض الحسنه در ایران»، مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، 1382، ص.
- [22] . دادگر، پدا...، اقتصاد بخش عمومی، (قم: دانشگاه مفید)، 1380، ص 33.

[23] . میر معزی، سید حسین، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام بر اساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی»، نامه مفید، 1377، ش 14، ص 214.

[24] . همان، ص 206.

[25] . همان، ص 208 — 206.

[26] . علی اکبر کمیجانی و علی اصغر هادوی نیا، پیشین، ص 238.

[27] . همان، ص 139.

[28] . مجید حبیبیان نقیعی، ص 78.

[29] . هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و اثرات اقتصادی آن، (قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، 1378، ص 144.

[30] . همان، ص 144.

[31] . سید حسین میر معزی، پیشین، ص 214.

[32] . موسویان، سید عباس، «بهره بانک‌های دولتی»، نامه مفید، 1377، ش 14، ص 226.

[33] . کرویتس، هلموت، پول، بهره، بحران‌های اقتصادی — اجتماعی، حمید رضا شهمیرادی، (تهران: کانون اندیشه جوان)، 1378.

[34] . همان، ص 98.

[35] . همان، ص 70.

[36] . اکبریان، رضا، «تحلیل از مفاهیم بهره و سپرده‌گذاری در اقتصاد اسلام» مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، 1382، ص 519.

[37] . ماجدی، علی و حسن گلریز، پول و بانکداری از نظریه تا سیاستگذاری، (تهران: مؤسسه بانکداری ایران)، 1373، ص 218.

[38] . توتونچیان، ایرج، چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، ص 96.

[39] . موسویان، سید عباس، «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، 1381، شماره 5، ص 59.

[40] . همان، ص ..

[41] . ابریشمی، حمید، اقتصاد ایران، (تهران: علمی و فرهنگی)، 1375، ص 255.

[42] . صادق بختیاری، پیشین، ص 62.

- [43]. نیلی، مسعود، اقتصاد ایران، (تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه)، 1376، ص 147.
- [44]. صادق بختیاری، پیشین، ص 87.
- [45]. گریفین، کیت و تری مک‌کنلی، توسعه انسانی (دیدگاه و راهبرد)، غلام‌رضا خواجه‌پور، (تهران: وداد)، 1377، ص 173.
- [46]. له‌کانان، ژاک و دنگ‌ان، بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، احمد اخوی، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)، 1373، ص 131.
- [47]. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، پیشین، ص 141-140.
- [48]. ژاک لوکایون و دیگران، پیشین، ص 131.
- [49]. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، پیشین، ص 173.
- [50]. علی‌اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص 242.
- [51]. راهب، مهدی، تأمین اجتماعی، (مشهد: دانشگاه امام رضا (ع))، 1377، ص 185-186.
- [52]. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، پیشین، ص 23.
- [53]. همان، ص 24.
- [54]. مهدی راهب، پیشین، ص 186.
- [55]. علی‌اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص 146.
- [56]. اقبال، منور، «بانکداری اسلامی» درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، مجید حبیبیان نقیعی، (قم: دانشگاه مفید)، 1384، ص 447.
- [57]. موسویان، سید عباس، «طرحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه»، اقتصاد اسلامی، ش 16، ص 45.
- [58]. طاهر، سعید، «توزیع در اسلام» درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، محمدرضا یوسفی، (قم: دانشگاه مفید)، 1384، ص 379.
- [59]. قحف، منذر، «نقش اقتصادی دولت در اسلام» درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، محمد تقی گیلک حکیم آبادی، (قم: دانشگاه مفید)، 1384، ص 202.
- [60]. علی‌اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص 147.
- [61]. علی‌اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص 243.
- [62]. مهدی راهب، پیشین، ص 177.
- [63]. علی‌اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص 243.